



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۲ شهریور ۱۴۰۰ - ۳ سپتامبر ۲۰۲۱

در باره بیانیه دفتر سیاسی:

تحولات سیاسی جدید و مسئله سرنگونی

گفتگو با سیاوش دانشور، سعید یگانه، ملکه عزتی و همایون گدازگر

بیانیه دفتر سیاسی حزب حکمتیست

تحولات سیاسی جدید ایران

تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی سوال روز جامعه است

واکسیناسیون در ایران و دولت جدید رئیسی

خامنه ای و سران رژیم به جرم کشتار مردم باید محاکمه بشوند

صفحه ۷

سعید یگانه

ستون اخبار مبارزات کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری، آرش کلهر

نسل کشی کرونائی!

کارنامه رژیم اسلامی در دوره کووید - ۱۹
مصادق یک نسل کشی است. جنایتی که با دستور خامنه ای مهر شد و فاجعه تمام عیار کنونی را ببار آورده است. حتی آنجا که حکومت زیر فشار اعتراض ناچار به عقب نشینی شد، وقتی که "اولویت اول" دولت رئیسی کرونا اعلام شد و از خرید بیست میلیون واکسن خبر دادند، فاجعه و قتل عام ادامه دارد. مراکز واکسیناسیون با ازدحام جمعیت در ساعات طولانی خود به مراکز گسترش شیوع ویروس بدل شدند و علیرغم تبلیغات خرید واکسن، بسیاری از مراکز بدلیل نداشتن واکسن تعطیل شده اند.

بیشرمانه تر تبلیغاتی است که برای دولت آدمکشان رئیسی میشود. این تصویر که دولت رئیسی مسئله خرید و واردات واکسن را حل کرده است، الصاق مدالی بدلی به سینه جلاجل روی دوش تلی از اجساد قربانیان است. قربانیانی که مسئول و مسبب قتل آگاهانه و عمدانه شان خامنه ای و رئیسی و روحانی و نمکی و کلیه کاربدستان جمهوری اسلامی بوده اند و از جمله به همین جرم باید محاکمه شوند.

هنوز تهیه و تامین واکسن استاندارد و رایگان، سیاست قرنطینه و تامین لوازم و نیازهای اقتصادی و بهداشتی و درمانی مردم در دوران قرنطینه، پاسخ وضعیت بحرانی کنونی است.
سردبیر.



کارگران و زحمتکشان، کمونیست ها و آزادیخواهان!

برای جلوگیری از کشتار وسیعتر مردم از بیماری کرونا، که مسبب آن، رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است، برای خواسته های زیر متحدانه مبارزه کنیم:

- واکسیناسیون فوری، رایگان و عمومی، با استانداردهای بهداشت جهانی.

- قرنطینه کشور همراه با تامین مالی و امکاناتی یک زندگی مناسب برای همه کارگران، زحمتکشان و تهیدستان.

- تامین رایگان دارو، آزمایشات و سرویسهای بیمارستانی برای بیماران مبتلا به کرونا و توزیع رایگان ماسک و مواد ضد عفونی کننده برای عموم مردم.

- آزادی بی قید و شرط وکلا و فعالین مدنی که به خاطر اعتراض و طرح شکایت از مسئولیت سران جمهوری اسلامی در ارتکاب به این جنایت، به زندان افکنده شده اند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در باره بیانیه دفتر سیاسی:

تحولات سیاسی جدید و مسئله سرنگونی

گفتگو با سیاوش دانشور، سعید یگانه، ملکه عزتی و همایون گدازگر

کمونیسیت هفتگی: در نشست اخیر دفتر سیاسی حزب حکمتیست سندی راجع به تحولات سیاسی جدید ایران تصویب شد. این بیانیه مدعی است که "سرنگونی جمهوری اسلامی در دستور روز جامعه است". تحلیل حزب از وضعیت سیاسی ایران چیست و چرا سرنگونی را در دستور روز جامعه میدانند؟

سیاوش دانشور: این صرفاً ادعا یا مشاهده ما نیست، یک واقعیت ابژکتیو جامعه و یک نگرانی و مسئله روزمره خامنه ای و سران رژیم اسلامی است. سرنگونی خواهی برخلاف اظهارات سبک و سطحی مفسران و ژورنالیستهای اصلاح طلب محصول تبلیغات احزابی مانند ما نیست، یک حقیقت عمیق و ریشه دار در جامعه است. نه سرنگونی و نه وقوع انقلاب محصول تبلیغات کمونیست ها و رادیکالها نیست، اینها مکانیزم جامعه برای برون رفت از بحران است وقتی که دیگر روشهای رفع بحران امتحان شدند و پاسخ ندادند. یک جامعه و بویژه نسل جدید و زنان نمیخواهند زیر یوغ رژیم اسلامی زندگی کنند. نسلی که سهمش را از آینده میخواد، نسلی که از کار و آموزش و سلامت و زندگی محروم شده و مسبب وضع کنونی را کسانی میدانند که در راس امورند. آنچه که به ما مربوط است این واقعیت است که بارها در اوج نمایش اصلاح طلبی و مدنی چپگری "دگراندیشان" دپروز شکنجه گر اعلام کرده بودیم؛ خواست سرنگونی و شعارها و سیاستهای دیرین ما کمونیست با تمایلات و خواستهای کارگران و مردم آزادیخواه خوانائی و انطباق کامل دارد. امروز دیگر کسی از کشمکش و جدال دو جناح در حکومت که یکی شان خشکه مقدس تر است و دیگری طرفدار رفرم و رابطه با غرب و تنش زدائی است، صحبت نمی کند. همه به غول از شیشه درآمده ای خیره شدند که تا چند سال قبل حتی برسمیت نمی شناختند. دوره دفاع فالانژیستی اصلاح طلبان و رسانه ها از "اسلام خوش خیم" منتهاست سپری شده و عناصر آن یا زیر عبای خامنه ای سنگر گرفتند و یا به کمپ جریانات راست در اپوزیسیون پیوستند. هم جامعه و هم حکومت، با یک اختلاف فاز، معادله دو جناح را کنار گذاشتند. جامعه در دیماه نود و شش میخ آخر را بر تابوت اصلاح طلبی حکومتی کوبید و تقابل با حکومت را تا امروز بیوقفه ادامه داده است. همین جنبش خامنه ای را ناچار کرد که از سیاست اتکا به دو بال نظام عبور کند، با تغییر آرایش درون حکومتی و فشرده شدن خود را برای رودروئی با جنبش رو به رشد اعتراضی و سرنگونی خواه آماده کند.

سرنگونی در دستور روز جامعه است چون بحران حکومت اسلامی و سرمایه داری ورشکسته و به بن بست رسیده ایران پاسخ درون حکومتی ندارد. امروز این حرف قدیمی ما که رفع این بحران نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی ممکن نیست، بلکه با تعمیق ناگزیر آن زمینه ساز سرنگونی خویش را فراهم می آورد، به آگاهی عمومی بدل شده است. حکومت اسلامی وصله ناجوری به پیکر آن جامعه است، نه



فقط هر روز بیشتر از دیروز جامعه حکومت را پس میزند و علناً شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" سر میدهد، بلکه جنبشی متمایز با دوره انقلاب ۵۷ است. امروز با جامعه ای روبرو هستیم که در شکل جنبشی و با خواستهای مشخص و مربوط اعتراض می کند، جامعه ای که نیاز اتحاد و همبستگی را درک میکند و از چرندیات آخوندها و اسلاميون منزجر است. کمتر کشوری در منطقه و جهان هست که بطور مستمر در اعتراض و اعتصاب باشد. قریب دو هزار اعتصاب و اعتراض در دوره ای که به حکم جنایتکارانه خامنه ای کرونا کرور کرور انسان درو میکند، عجیب می نمایاند. بحران رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود. تحمل شکست سنگین و مقتضایان به حکومت در نمایش انتخابات که بسرعت با امواج اعتصابات کارگری و اعتراضات شهری در خوزستان و دیگر شهرهای ایران ترکیب شد، گوشه ای از پتانسیل قدرتمند سرنگونی خواهانه را منعکس میکند.

مبنای تحلیلی ما از وضعیت سیاسی ایران و جدالهای اساسی امروز بعنوان مفروضات تحلیلی اثبات شده و داده سیاست است. راست و چپ در مقیاس جامعه خود را برای سرنگونی و قدرت سیاسی آماده می کنند. هر دو اردوی اجتماعی در سرنگونی ذینفعند اما اهداف متمایز و متخاصمی را دنبال می کنند. یکی دنبال اعاده نظم قدیم است و دیگری دنبال تغییر ریشه ای و رادیکال آن. یکی از سرنگونی سناریوی دست بدست شدن قدرت را دنبال می کند و دیگری یک انقلاب عظیم اجتماعی. سرنگونی خواهی حرف اول را در سیاست ایران میزند و سرنگونی خواهان به دو کمپ اجتماعی - طبقاتی متمایز تعلق دارند. جدال برسر سرنگونی حلقه ای از جدال وسیعتر کارگر و کمونیسم برسر دولت و قدرت سیاسی و نظام آتی است. حزب حکمتیست بعنوان جزء لاینجزای جنبش سوسیالیستی و کمونیستی طبقه کارگر در تحولات جاری برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، کسب قدرت سیاسی و ایجاد یک نظام سوسیالیستی مبارزه و تلاش می کند.

کمونیسیت هفتگی: اسناد و تحلیل های حزب از اوضاع سیاسی، بر قطبی بودن جامعه و سیاست بعنوان یک مشخصه مهم وضعیت کنونی تاکید میکند. این ارزیابی بر چه مبنایی است و چه استنتاجات سیاسی برای حزب دارد؟

سعید یگانه: همچنانکه در بیانیه به درست اشا ره شده است، یکی از مشخصات تحولات سیاسی کنونی در ایران قطبی شدن سیاست میان بورژوازی حاکم و طبقه کارگر و زحمتکشان به عنوان طبقه و قشر استثمار شونده در جامعه ایران است. مبنای این ارزیابی حضور پررنگ طبقه کارگر در اعتراضات و اعتصابات کارگری و مبارزه جاری در صحنه سیاسی ایران است که با بورژوازی حاکم در افتاده و اکنون به یک مبارزه و کشمکش سیاسی و طبقاتی آشکار تبدیل شده است. به همین دلیل است که بورژوازی حاکم به تغییر آرایش سیاسی در

در باره بیانیه دفتر سیاسی:

تحولات سیاسی جدید و مسئله سرنگونی ...

بالا و بکارگیری همه امکانات و ابزارهای سرکوب برای مقابله با جنبش سرنگونی و مبارزات رو به رشد کارگری روی آورده است. بویژه در سه سال گذشته با ابراز وجود رادیکال جنبش سرنگونی طلبانه مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی، حضور طبقه کارگر با اعتصاب و مبارزه مداوم خود، ضمن دامن زدن به طرح خواستهای کارگری برای بهبود وضعیت معیشتی، از دامن زدن به مبارزه ضد سرمایه غافل نبوده و مستقیماً علیه نظم سرمایه به میدان آمده و با حضور رهبران و فعالین سوسیالیستی در راس آن، بورژوازی حاکم را به وحشت انداخته است. امروز طبقه کارگر ایران بیش از گذشته در صحنه سیاسی ایران مدعی نه تنها برسر مطالبات کارگری و به یک اعتراض و اعتصاب روزانه روی آورده است، بلکه در دفاع از مطالبات و خواستهای سایر اقشار تهیدست جامعه، زنان و کودکان به صدا درآمده است و به عنوان صاحب سیاست و جامعه علیه سرمایه داری و بورژوازی حاکم قدهلم کرده است.

برای یک حزب کمونیستی که سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و رفتن به طرف یک انقلابی سوسیالیستی را هدف خود قرار داده است، اتکا به جنبش طبقاتی کارگران و چفت شدن به این مبارزه و بخصوص رهبران و فعالین سوسیالیستی این جنبش، حلقه ها و بستر اصلی پیمودن این راه و قدرت گرفتن حزب است. براین مبنا فکر می کنیم که امروز در شرایط سیاسی متحول ایران و با حضور پر رنگ طبقه کارگر در صحنه سیاسی، برای اولین بار در این سطح از دخالتگری، درچه ای به روی طبقه کارگر و احزاب کمونیستی از جمله حزب حکمیتست و مبارزان راه آزادی و سوسیالیست باز شده است و باید با تمام توان به استقبال آن رفت و در تقویت و گسترش آن تلاش کرد. استنتاجات سیاسی برای حزب حکمیتست این است که در این شرایط سیاسی، ضمن تلاش برای تقویت و قدرت گرفتن جنبش سرنگونی مردم و اقشار تهیدست جامعه و جنبش برای زن و مرد، باید بیشترین انرژی خود را صرف دخالت و سازماندهی و قدرتمند کردن جنبش طبقاتی کارگران علیه نظم استثمارگر سرمایه و بورژوازی اسلامی حاکم بکار گیرد. واقعیت این است که دوره "همه با هم"ی به سر رسیده و تجربه تا کنونی به ما و طبقه کارگر و همه زحمتکشان می آموزد که باید با برنامه و با پلاتفرم کارگری به میدان آمد. توهامات غیر کارگری را به کنار زد و یکبار برای همیشه طبقه کارگر با حزب کمونیستی خود، با دامن زدن به اعتراض و اعتصاب و مبارزه طبقاتی، بیشترین سهم را در سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی به عهده بگیرد و از طریق شوراهای کارگری قدرت را برای لغو بردگی مزدی و نظم کنونی به دست بگیرد. حزب حکمیتست تلاش می کند که افق مبارزه طبقاتی و سوسیالیستی را با اتخاذ سیاست و تاکتیکهای درست در جنبش جاری در ایران تسری دهد.

کمونست هفتگی: بیانیه حزب از تغییر آرایش سیاسی در درون

حکومت سخن میگوید. رژیم اسلامی از این تغییر آرایش کدام هدف را دنبال می کند و تا چه حد سیاست کنونی پاسخگوی آنست؟ چرا سرکوب دیگر کارکرد سابق را نداد و نمیتواند بقای حکومت را تضمین کند؟

ملکه عزتی: همانطور که خود شما هم اشاره کردید یک تغییر آرایش در حکومت و چیدن مهره های جدید، یک نیاز رژیم برای تامین بقای خود است. اما این تغییر آرایش ابدی ربطی به تامین منافع و حل مشکلات سلامت، رفاه و معیشت مردم ندارد. کل این تغییر و تحولات و دگرگونی مهره ها حربه هایی هستند برای خرید عمر بیشتر برای رژیم و چپاول ثروت و سامان جامعه برای یک دوره دیگر و طبعاً مصون ماندن از پس لرزه های اعتراضات عظیم توده ای. این رژیم علیرغم هر تغییر و تحولی در سیاست و انتخاب مهره ها چه از اصلاح طلبان و چه از اصولگرایان، در نهایت همان رژیمی است که چهار دهه است سرکوب میکند، جنایت میافریند، اعدام و کشتار میکند و مردم محروم را در فقر و فلاکت نگاه داشته است.

بعد از اعتراضات عظیم دی و آذر ماه و رودرویی مستقیم مردم با حاکمیت و عوامل سرکوب آن ورق به نوعی برگشت و چهره خشن و سرکوبگر ۴۰ ساله این نظام برای مردم در کف خیابان تبدیل به یک قدرت پوشالی و قابل چلنج شد. در تداوم دی و آذر واهمه مردم از سرکوب رژیم و چهره مهیب جمهوری اسلامی بدرجات زیادی فرو ریخت و نهایتاً تداوم اعتراضات دانشجویی، اعتراضات و اعتصابات عظیم کارگری، تحرکات زنان علیه تحقیر و سرکوب و تعرضات روزانه مردم درگیر کرونا و محروم از واکسن عرصه را بر رژیم و سران آن تنگ کرد. در طی بحرانهایی که کل جامعه با آن رودررو بود از بی آبی، بی برقی، گرانی، بیکاری و بسیاری مشکلات دیگر، مردم معترض و خشمگین دریافتند چیزی برای از دست دادن ندارند و برای بقای زندگی شان خیلی سراسر سران بالای رژیم را مورد تعرض و حمله قرار دارند. اولین طلابه های این وضعیت سر دادن شعار سراسر مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای و مرگ بر جمهوری اسلامی در خیابان بود. تردیدها و توهمات که اصلاح طلبان حکومتی بخشا در طی این سالها برای امتیاز گرفتن از رژیم ایجاد کرده بودند هم فرو ریخت و صف معترضین مستقیماً با کل حاکمیت روبرو شدند. محتمل ترین چشم انداز ادامه این وضعیت و تعمیق یافتن اعتراضات، فروپاشی کامل پایه های قدرت و حاکمیت جمهوری اسلامی و تقویت هرچه بیشتر خواست سرنگونی طلبی در میان مردم بود. انتخابات مفری شد که رژیم تکلیف خود را هم با خودی ها و هم با سایر جبهه ها روشن کند. سرانجام با برگزاری مضحکه انتخابات و حذف یکی دو مهره خودی و بیرون آوردن رئیسی از صندوق، استارت یک تغییر سیاست برای نجات رژیم زده شد.

با عدم شرکت گسترده مردم در انتخابات و شکست فاحش در این مضحکه، رژیم عرصه را به توده های معترض و خشمگین در این میدان هم باخت. سپردن کلید ساختمان پاستور بدست رئیسی نه تنها کمکی به رژیم اسلامی نخواهد کرد و نه تنها حتی یک مشکل از مشکلات عدیده این رژیم را حل نخواهد کرد، بلکه حتی یک بحران ساده از مجموعه بحرانهای رنگارنگ حکومت را حل نخواهد کرد. در نهایت حکومت دوباره با توده های معترض و خشمگین با خواسته های

ترس از خروش جامعه ای رادیکال و متمایل به چپ که موجودیت جمهوری اسلامی را زیر سوال برده است، بورژوازی جهانی و غرب را مجبور می کند تا بی گذار به آب نزنند و شانس ماندگاری و رام کردن جمهوری اسلامی را نسوزانند.

اما در مورد اینکه تکیه بر و مناسبات با غرب می تواند جمهوری اسلامی را از خطر سرنگونی برهاند، امروز حتی خودیهای دیروز هم یک جواب قاطع منفی برای آن دارند، چه برسد به کارگران و مردمی که خود عملاً دست بکار برداشتن این بختک شوم بر سر زندگی یک جامعه هشتاد و چند میلیونی شده اند. مسکن ها و کمک های اقتصادی در برابر امتیاز گیری از جمهوری اسلامی ممکن است امکان نفس کشیدنهای هرازچندگاهی به جمهوری بدهد، ولی نجات جمهوری اسلامی دیگر غیرممکن است. قبلاً ما می گفتیم جامعه حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده است، امروز از حکم دادن فراتر رفته و دست بکار آن شده اند. ارتش استثمار شدگان طبقه کارگر حریف را برای بر زمین کوبیدن به مصاف طلبیده اند و در سطوح مختلف با برپایی مجمع عمومی و فراخوان اعتصاب، مدرسه انقلاب را عملاً دایر کرده اند. جنبش توده ای بی باک و جسورتر از هر زمان یک پای تحولات سیاسی است. تا جمهوری اسلامی وجود دارد این اقتصاد ورشکسته و دستگاه دزدی و فساد اداری و تاریخ خونبار ۴ دهه حاکمیت فاشیستی اسلام سیاسی نخواهد توانست قد راست کند. رفتن جمهوری اسلامی به یک امر اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. صحنه "بالایی ها نمی توانند و پایینی ها نمی خواهند" جلو چشم مردم منطقه و جهان خود نمایی می کند.

کمونست هفتگی: بیانیه حزب بر اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای بعنوان دو رکن نبرد سرنوشت ساز مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی تاکید دارد. چرا؟ آیا قلمروهای دیگر کشمکش اجتماعی فرعی اند یا از اهمیت کمتری برخوردارند؟ ارزیابی و چشم انداز حزب از سیر اوضاع چیست و برای چه وضعیت احتمالی آماده می شود؟

سیاوش دانشور: ما با یک جامعه در حال نبرد روبرو هستیم، جامعه ای ناراضی، عصبانی، منجر از دروغ و فساد و سرکوب و ستم. طبیعی است اعتراض از هر منفذ جامعه به این وضعیت وجود دارد. اما خروجی این خشم و پتانسیل اعتراضی انباشت شده همواره خود را در اعتراضات توده ای علیه مسائلی مانند گرانی، کمبود برق، قطعی آب، بیکاری، واکسن، حق زندگی و سلامتی بیان می کند. دریچه بروز اعتراضات هرچه باشد، اینها حلقه های یک اعتراض بنیادی تر به وضع موجود و نحواستن حکومت اسلامی است. علت اعتراض وجود جمهوری اسلامی و بحرانهای لاینحلی است که در این حکومت پاسخی ندارد. اعتصابات کارگری شکل مشخص تر اعتراض جنبش طبقه کارگر علیه طبقه حاکم و دولت اسلامی حافظ منافع کارفرمایان است. در سالهای گذشته اگرچه اعتصابات کارگری مقدمه خیزشهای توده ای بودند و خیزشهای توده ای به تحرک اعتصابی نیرو داده است؛ با اینحال کمتر با همزمانی اعتراضات توده ای و اعتصابات گسترده کارگری روبرو بودیم. مورد اعتصاب کارگران پروژه ای و پیمانی صنایع نفت و اعتراضات توده ای تیر ماه در شهرهای خوزستان و چند شهر دیگر ایران، از نظر فشاری که میتواند بر رژیم ایجاد کند مهم است. همینطور گسترش اعتراضات کارگری فرا-

در باره بیانیه دفتر سیاسی:

تحولات سیاسی جدید و مسئله سرنگونی ...

بسیار گسترده تر و جدی تر روبرو خواهد شد. این بار بطور قطع سرنگونی طلبی در شکل رادیکالتری بستر اصلی این اعتراضات در کف خیابان و در اعتراضات و اعتصابات کارگری خواهد بود. چلنج اصلی دوره رئیسی یک کشمکش جدی طبقاتی در عرصه مبارزه علیه حکومت اسلامی علیه سرمایه و نظم موجود و بنیادهای اصلی آن خواهد بود. نه رئیسی نه هیچ عنصر دیگری از میان مهره های ریز و درشت این حاکمیت جواگوی این وضعیت نیست. رئیسی و کابینه وی هم به شکست و ناکامی اهداف جمهوری اسلامی از این تغییر آرایش منجر خواهد شد. ما همراه با طبقه کارگر و توده های معترض و انقلابی اینرا تضمین می کنیم.

کمونست هفتگی: در مورد سیاست حمایتگرانه آمریکا و دول غربی در قبال جمهوری اسلامی چه فکر می کنید؟ کدام منافع و درونما دول غربی را در کنار جمهوری اسلامی و دستکم سیاست بقای آن قرار میدهد؟ آیا نزدیکی و معامله و سازش دول غربی با جمهوری اسلامی تأثیری بر سرنگونی خواهی جامعه دارد؟

همایون گدازگر: حتی دونالد ترامپ که بیشتر از هر رئیس جمهور دیگری در ایالات متحده آمریکا علیه رژیم ایران شاخ و شانه میکشید و توافق برجام را معلق اعلام کرد، همواره با صراحت از مذاکره و سازش با جمهوری اسلامی سخن می گفت و در جریان رقابت انتخابات ریاست جمهوری آن را به یک تم تبلیغاتی تبدیل کرده و مکرراً تاکید می کرد؛ اگر به عنوان ریاست جمهوری آمریکا ایفا شود با جمهوری اسلامی به توافق خواهد رسید. جدا از هر روابط دیپلماتیک و دوره ای که سیاست آمریکا و غرب براساس روش شناخته شده پراگماتیستی ۴۰ ساله گذشته خود با جمهوری اسلامی داشته اند، اما در پشت پرده تبلیغات و دیپلماسی سیال موجود، این منافع مادی و سیاسی مشترک دولت های غربی است که سیاست پایدارتر غرب و آمریکا را در ورای افت خیز روابط دیپلماتیک تعیین می کند. در واقع وجود دومی برای خدمت به محکم کردن اولی یعنی حفظ منافع غرب وجود خارجی دارد.

سیاست اصلی آمریکا و غرب طی ۴ دهه گذشته هیچ زمانی رژیم چینج و بطریق اولی سرنگونی از پائین جمهوری اسلامی نبوده است. دلیل اتخاذ این سیاست از یک طرف شرایط اقتصادی و اجتماعی در خود غرب است که با تناقض و چلنج های بسیاری روبروست، و از طرف دیگر بهم خوردن موازنه قدرت در خاورمیانه بین بلوک بندیهای سابق و تحمل عقب نشینی هایی به سیاستهای غرب و آمریکا برمیگردد. امروزه اروپا و آمریکا در میدان جنگ و اقتصاد و در نتیجه تأثیر گذاری سیاسی تحت فشار چین و روسیه و بلوک بندیهایشان هستند و برای بازی کردن با کارت یک جمهوری اسلامی رام شده در منطقه شب و روز می شمارند. علاوه بر پارامترهای فوق، اکنون دیگر قدرت نظامی و توان دخالتگری نظامی آمریکا بشدت کاهش یافته و از این گزینه برای پیشبرد سیاستهایش نمی تواند استفاده کند.

وبالآخره عدم یک آلترناتیو جدی بورژوازی بجای جمهوری اسلامی و

در باره بیانیه دفتر سیاسی:

تحولات سیاسی جدید و مسئله سرنگونی ...

فابریکی، شهری و منطقه ای و سراسری که در سطح رشته ای هم اکنون محقق شدند، با همزمانی با اعتراضات توده ای یک گام مهم دیگر جلو می‌رود. این همه تلاش و ابتکار و اینکه راهی برای ابراز وجود قدرتمندتر پیدا شود، دلیلی جز اختناق و تناسبات قوای موجود ندارد. روشن است با بهم خوردن تناسبات قوا، که خود این محصول و نتیجه گسترش همین اعتراضات است، این جزایر ظاهراً از هم جدا مانند سیل جاری می‌شود. به هر حال ما باید تاکید کنیم که ما درک تدریجی گریزانه از تحولات نداریم، نه موقعیت حکومت در داخل و خارج و نه رابطه آنتاگونیسم و خصمانه جامعه و مردم با حکومت، اجازه یک سیر تدریجی و طولانی را نمیدهد. در شرایط کنکرتی یک عمل انقلابی، یک ابتکار دقیق و جویگو، میتواند مانند چاشنی انفجار عمل کند و پتانسیل اعتراضی را آزاد کند. برای ما اعتصابات کارگری موثر و اعتراضات توده ای قدرتمند و درهم آمیختگی اجتناب ناپذیر این نیروهای اجتماعی در عین جدا بودن شکل اعتراض و مکانیزمهایی هر کدام، دو رکن اساسی مبارزه انقلابی اند که طبقه سرمایه دار و دولتش را هدف قرار داده است. سیاست ما گسترش این اعتراضات و اعتصابات و ترکیب آنها در اشکالی مقدور و موثر است.

آیا قلمروهای دیگر کشمکش اجتماعی فرعی اند یا از اهمیت کمتری برخوردارند؟ ابدأ! برجسته کردن یک قلمرو و جبهه مبارزاتی به معنی نفی یا کم رنگ کردن جبهه های دیگر نیست. این مبارزه ای علیه تبعیض و نابرابری و بانیان آنست. مسئله زن یکی از مهمترین و کلیدی ترین مسائل جامعه ایران است، یا ضدیت با نمادهای اسلامی و حکومتی و اسلام بطور کلی موضوع کشمکش اند. فردا ممکن است نظر به بحرانهای تو در تو و فزاینده با سوالات جدید روبرو شویم. در یک جامعه هشتاد و چند میلیونی با معضلات پیچیده و مزمن، مسائل و سوالات پیش رو متنوع و زیادند. ما داریم راجع به قلمروها و سنگرهائی در نبرد جاری کنونی با جمهوری اسلامی، خط مشی و اشکال مبارزاتی که جنبش ما را قدرتمندتر میکند حرف میزنیم. بعنوان کارگر و فعال کمونیست ما باید در همه جبهه های مبارزه علیه تبعیض و نابرابری با پرچم کمونیستی حضور داشته باشیم.

پرسیده اید چشم انداز حزب از سیر اوضاع چیست و برای چه وضعیت احتمالی آماده می شود. مشخصاً سیر مبارزه علیه جمهوری اسلامی بدلیل محدودیتهای تحمیل شده و همینطور محدودیتهای جنبش سرنگونی و نیروهای درگیر در آن، قطعاً افت و خیز خواهد داشت. با فرض برسمیت شناختن این محدودیتهای و تلاش برای رفع آن، جامعه منتظر رفع کمبودهایش نمیشود چون شرایط وخیم واقعی اعتراض تولید میکند و در جامعه ای که مملو از خشم و اعتراض است، یک اعتراض ساده میتواند به پدیده دیگری بدل شود. خصوصیات جامعه تحت اختناق و بروزات آن همیشه ناظران را شگفت زده میکند. در واقعیت اما این روندهای واقعی و بنیادی تر جامعه اند که تحت فشار اختناق و سرکوب بدرستی دیده نمیشوند یا تصویری یک بعدی از یک واقعیت پیچیده و چند بعدی دیده میشود.

ما می‌گوئیم سرنگونی حکومت در دستور روز است و برای سرنگونی انقلابی کار میکنیم. برای چه آماده می شویم، طبعاً باید برای سناریوهای مختلفی بدرجات مختلف آماده بود. آماده به معنی فکری و سیاسی، آماده به معنی نیروی اجتماعی، آماده بعنوان نیروی نظامی، آماده به معنی یک صف مستقل کارگری و کمونیستی با اهداف مشخص. اما بعنوان حزب سیاسی نمیتوانیم و نباید دنباله رو رویدادها باشیم. ما برنامه و سیاست و اهداف مشخصی داریم، تعلق جنبشی و طبقاتی مشخصی داریم، ما سوسیالیست و کمونیستیم و برای انقلاب کمونیستی مبارزه میکنیم. این فلسفه وجودی ما و هویت سیاسی ماست. پروژه ما سرنگونی انقلابی و تشکیل یک دولت انقلابی، بسط و انکشاف مبارزه سیاسی و طبقاتی از موضع دولت، در هم کوبیدن اساس دولت بورژوازی و خلع ید سیاسی و اقتصادی کامل آنست. واضح است که باید آمادگی های بسیار بیشتری داشته باشیم. صفی از نیروهای سناریوی سیاهی، نیروهایی که میشود از هر کدامشان یک طالبان و کارادبچ درست کرد، در صحنه حضور دارند و یا در تقابل با اهداف شریف کارگری سرهم خواهند شد. کمونیسمی که قدرت دفاع از جامعه و خود را نداشته باشد، قربانی دست و پا بسته این نیروهای مرتجع خواهد بود. ما یک ذره توهم به ماهیت جنایتکارانه بورژوازی ایران و برنامه های سیاسی شان نداریم. ما حزب صف مستقل کارگر و کمونیسم در ایندوره هستیم و یک شرط نجات جامعه از مخاطرات نیروهای ارتجاعی باقیمانده از حکومت و در اپوزیسیون اینست که کارگر و کمونیسم رهبر آزادی جامعه باشد. ما ممکن است با جنگهای نیابتی دولتها در منطقه و یا سناریوی آلترناتیو سازی روبرو شویم و قطعاً بورژوازی بسادگی میدان را خالی نخواهد کرد. ما کمترین توهمی به ماهیت و عملکرد تالکونی و ظرفیتهای ضد جامعه این سناریوها نداریم و در هر وضعیت مشخصی باید این قابلیت و انعطاف را داشته باشیم که در جبهه های متعددی بجنگیم. مسیر ما سر راست و ساده نیست، اما وسیع ترین نیرو بالقوه پشت آلترناتیو و راه حل کارگری کمونیستی ما خواهد بود اگر درست و سر وقت عمل کنیم. گسترش مبارزه اعتصابی و مبارزه توده ای و حاکم شدن سیاستهای رادیکال به آن برای سرنگونی انقلابی، در عین حال مستلزم اینست که اردوی کارگر و کمونیسم و چپ جامعه، صف مستقل و آلترناتیو انقلابی خود را بمیدان بیاورد. این مهمترین وظیفه حزب بعنوان نوک فشرده این جنبش عظیم اجتماعی و طبقاتی است. در هر حال برای ما سرنگونی انقلابی تنها یک جزو ضروری و یک گام تعیین کننده برای استقرار یک حکومت انقلابی کارگری است.

کمونیسیت هفتگی: ارزیابی بیانیه دفتر سیاسی از وضعیت کنونی و آتی اپوزیسیون راست و جریانات بورژوازی چگونه است و معنای عملی و سیاسی این ارزیابی در جدال چپ و راست در پروسه سرنگونی چیست؟

سعید یگانه: واقعیت این است که در روند مبارزه جاری برای سرنگونی جمهوری، صف بندیهای راست و چپ حضور آشکار دارند و هر کدام تلاش می کنند از این مبارزه نیرو بگیرند و هژمونی خود را بر آن اعمال بکنند. این تلاشها هم اکنون جاری است و در مبارزات جاری میان اقشار مختلف جامعه شعارها و اهداف آنان قابل رویت است. اپوزیسیون راست پروغرب که اعاده نظم قدیم بورژوازی در قالبهای جدید را در سر می پروراند، با شکست پروژه های تالکونی، امید به دخالت غرب و " رژیم چنچ " ناکام مانده است و در جهت انطباق خود با اوضاع سیاسی و رادیکالیسم موجود در مبارزات جاری قدم بر می دارند. اکنون همه جریانات پروغرب، ناسیونالیستها و اصلاح طلبهایی که از

در باره بیانیه دفتر سیاسی:

تحولات سیاسی جدید و مسئله سرنگونی ...

جمهوری اسلامی بریده اند صفوف خود را فشرده کرده و خود را با اوضاع سیاسی جدید در ایران هماهنگ می کنند. رضا پهلوی از سلطنت دست کشیده و جمهوری خواه شده و مدعی قدرت است. همه این جریانها که درگذشته، رفرا ند و استعفا ی خامنه ای و مبارزه مدنی و بدون "خشونت" تاکتیکیهای آنان را تشکیل می داد، امروز تحت فشار رادیکالیسم مبارزات جاری از این شعارها دست شسته و سرنگونی طلب شده اند.

حقیقت این است که همه این نیروها از رضا پهلوی، جمهوری خواهان، ناسیونالیستها، اپوزسیون ملی اسلامی، مجاهدین، با هر ترکیب و پرچم و هر شعار و تاکتیکی به میدان بیایند، جملگی منافع بورژوازی ایران را نمایندگی می کنند. از مذهب و ارتجاع حمایت می کنند. اهداف همه این نیروها حفظ نظم موجود با دستگاههای پلیس و نظامی و نهایتا دولت و پارلمان بدون آخوند است. معنای عملی و سیاسی این ارزیابی در جدال میان راست و چپ جامعه برای سرنگونی جمهوری اسلامی این است که، اولاً این نیروها را نباید دست کم گرفت و در هر قدم از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، اهداف و سیاستهای ارتجاعی و ضد کارگری آنانرا باید افشا و منزوی کرد. دوماً، طبقه کارگر و سایر افشار زحمتکش جامعه ایران در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی با هوشیاری، ضمن حفظ استقلال صفوف طبقاتی خود، اجازه ندهند که این نیروها در صفوف آنان رخنه کنند و از توان مبارزاتی آنان بهره جویند. به عبارت دیگر نباید اجازه بدهند که دگرباره توان اعتراض و مبارزات آنان را نردبان ترقی و پیشبرد اهداف ارتجاعی و ضد کارگری خود قرار بدهند.

و بالاخر، ما بعنوان حزب حکمتیست همراه با فعالین و رهبران سوسیالیستی و آگاهان صفوف طبقه کارگر، وظیفه داریم که قدم به قدم در مبارزه برای سرنگونی رژیم سرمایه داری اسلامی، ذره ای از افشای اهداف و سیاستهای اپوزیسیون بورژوازی تحت هر پرچم و برنامه ای کوتاه نیائیم و در هر قدم از مبارزه، افق طبقاتی و کارگری را در جنبش جاری تقویت کنیم و خواستها و سیاستهای خود را به پرچم مبارزات جاری تبدیل کنیم. واقعیت اینست که آینده بعد از جمهوری اسلامی را جنبشها و احزاب راست و یا چپ جامعه رقم خواهند زد. امروز کمونیستها و طبقه کارگر با بهره گرفتن از دستاوردهای تانکونی این شانس را دارند که با منزوی کردن جریانها بورژوازی به قدرت نزدیک شوند و اهداف کارگری و انسانی و برابری طلبانه خود را در جامعه تحقق ببخشند.

کمونیسیت هفتگی: بیانیه حزب به یک خط مشی تاکتیکی اشاره دارد، رئوس این خط مشی چیست و تمرکزش کجاست؟

ملکه عزتی: در کل بیانیه تاکید بر تعمیق کشمکش طبقاتی، تعمیق اعتراضات توده ای و ورشکستگی سیاستهای جمهوری اسلامی و گسترده شدن خواست سرنگونی است. از نظر من نکات مهم در تاکید

بر اعتصابات کارگری و دامن زدن بر برپایی جنبش شورایی و ایجاد مجمع عمومی است. اعتراضات توده ای و اعتصابات کارگری بمثابه دو قلمروی سرنوشت ساز در مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی در این بیانیه دو نقطه تمرکز اساسی به حساب میاید. همچنان تاکید بر وظایف حزب حکمتیست در قبال مبارزات مردم هم از نکات مهم بیانیه میباشد. بیانیه این وظایف را اینگونه تعریف میکند بکار گیری تمام توان برای متحد و همگام کردن مبارزات کارگری و حضور در میدان مبارزه با تمام قوا حول شعارهای آزادی، برابری و رفاه.

بیانیه به دو نکته مهم دیگر هم تاکید میکند یک موقعیت نیروهای راست و پرو غرب و شکست پروژه آلترناتیو سازی و رژیم چنج و تلاش این دوره این نیروها برای هماهنگ کردن خود با موقعیت جدید. در بیانیه بدرستی بر موقعیت و جهتگیری سیاسی اینها تاکید میشود. در بیانیه به روشنی بر نقش این طیف بعنوان نمایندگان بورژوازی و حافظان نظم قدیم اشاره شده و همچنان بردست کم نگرقتن این صف و به شکست کشاندن طرحهای آنها با اتخاذ سیاست درست و روشن تاکید شده است. نکته مهم و برجسته و بنوعی حتی تعیین کننده برای حزب ما در این بیانیه از نظر من روشن تر کردن وظایف حزب در این دوره مهم و حیاتی است. در بیانیه در رابطه با جنبش کمونیستی کارگری بدرستی تاکید میشود که این جنبش تنها جنبشی است که با آمل و آرزوهای توده های میلیونی کارگران و مردم آزادیخواه و برابری طلب همراهی و خوانایی دارد. تاکید روشن و صریح بر یک انقلاب اجتماعی و برقراری یک نظام سوسیالیستی هم از نکات مهم بیانیه است.

کمونیسیت هفتگی: بیانیه حزب از سرنگونی انقلابی و یک آینده سوسیالیستی سخن میگوید. فراخوان حزب به جامعه و طبقه و نیروئی که باید این مسیر را طی کند چیست؟

همایون گدازگر: درست است. حزب حکمتیست همراه طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و توده ای برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی تلاش می کند. تاکید روی انقلابی بودن سرنگونی بخصوص در شرایطی که طیف ملون بورژوازی اپوزیسیون هم تحت فشار رادیکالیسم جامعه دم از سرنگونی می زنند، از هر زمان ضروری تر است. بخصوص معنای سرنگونی بسیار مهم است. از زاویه منفعت طبقه کارگر و مردم زحمتکش، سرنگونی جمهوری اسلامی فقط می تواند در هم کوبنده، از پائین و انقلابی باشد.

جامعه و آینده سوسیالیستی آن هدف و داستان زندگی ما کمونیستها و حزب حکمتیست است. آلترناتیو چپ و راست دو احتمال واقعی بعد از جمهوری اسلامی هستند. حزب ما خود را بخشی از لشکری میبیند که برای تحقق آلترناتیو سوسیالیستی تلاش می کند و در این رابطه وظایفی را در دستور کار خود گذاشته است.

فراخوان و تلاش ما ایجاد اتحاد هرچه وسیعتر در بین صفوف طبقه کارگر در شرایط مبارزاتی کنونی است. مبارزه علیه تفرقه اندازی جمهوری اسلامی و سرمایه داران یکی دیگر از اولویتهای حزب ماست. ناسیونالیسم و مذهب از عوامل مخرب درون جامعه و به تبع آن می توانند در صف جنبش سوسیالیستی و کارگری مزاحمت ایجاد کنند. باید با تاکید بر منافع طبقاتی و آگاهگری نقش آنها را خنثی کرد. از همه مهمتر تامین یک رهبری انقلابی و روشن بین و با نفوذ، فوکوس اصلی



کرده است. سفارت ایران در آلمان برای خرید واکسن و تجهیزات لازم در زمینه مبارزه با کرونا به جنب و جوش افتاده است. ۱۲۵ میلیون دلار از منابع ارزی ایران در بانک تجارت عراق برای خرید ۱۶ میلیون دوز واکسن به یک بانک اروپایی ارسال شده است و خبر دادند که دولت رئیسی دستور خرید ۱۲۵ میلیون دوز واکسن را صادر کرده است.

ما بارها گفته ایم که مسئول این فاجعه جمهوری اسلامی است و با سیاستهای کثیفش و فتوای خامنه ای جنایتکار برای عدم خرید واکسن مردم را به این وضعیت وحشتناک انداختند. گفته ایم که دولت موظف است واکسن استاندارد و مورد تأیید تهیه کند و بطور رایگان در اختیار مردم قرار دهند. از کجا مسئله مردم نیست، وظیفه دولت است. امروز با شروع کار دولت جنایتکار رئیسی دست و دلباز شده اند، سر کیسه را شل کرده اند که واکسن بخرند. از اینکه واکسن سریعاً وارد و ایمنی مردم در مقابل کرونا تأمین میشود خوشحالییم و خواست عموم مردم است. اما سوال این است چرا امروز، چرا بیشتر از یکسال فرصت را از دست دادند و در این فاصله هزاران نفر تلف شدند؟ چرا آنموقع خرید واکسن از امریکا و اروپا منع شد و امروز مانعی نیست؟ جواب خیلی روشن است، اول وسیله ای بود برای به خانه فرستادن و قتل مردم بعد از رویدادهای آبان ۹۸، کاملاً سیاسی و آگاهانه. بعدتر هم مسئله را "کش دادند" تا دولت رئیسی کارش را شروع کند و به اسم "دولت انقلابی" واکسن بخرند. بگویند، دولت رئیسی در فکر مردم است. اینکه همه دولتها در جمهوری اسلامی و از جمله دولت رئیسی در جنایت علیه مردم کم نیاورده اند شکی نیست، اما مردم باید بخواهند که چرا تاکنون چنین اقداماتی را صورت ندادند و باعث مرگ هزاران نفر مردم بی گناه شدند. طفره رفتند، فتوا دادند، دروغ گفتند تا خرید واکسن و سرعت واکسیوناسیون را به دولت رئیسی منتقل بکنند. همه سران رژیم و در راس آن خامنه ای موجب جنایتی شدند که بابت آن همه آنان به جرم جنایت علیه مردم ایران باید محاکمه و به مجازات برسند.*

واکسیوناسیون در ایران و دولت جدید رئیسی

خامنه ای و سران رژیم به جرم کشتار مردم باید محاکمه بشوند

سعید یگانه

با شروع کار دولت رئیسی قاتل زندانیان سیاسی، به واکسیوناسیون سرعت بیشتری داده اند آنها در شرایطی که موج پنجم کرونا انسانهایی زیادی را درو کرده و جانشان را گرفته است. با تولید واکسن کرونا، "واکس" وابسته به سازمان جهانی بهداشت در زمینه سهمیه بندی واکسن میان کشورها، اعلام کردند که ایران ۱۶ میلیون سهمیه دارد و مورد تأیید وزارت بهداشت هم هست. سرنوشت این رقم دوز واکسن هنوز نامشخص است. کمکهای سازمان بهداشت جهانی و پزشکان بی مرز را برگرداندند. زالی فاش کرد که دستور داده بودند که آمار تلفات را از سازمان جهانی بهداشت مخفی نگه بدارند و به اضافه اینکه گفت که برای خرید واکسن هزینه صرف نمی کنند و دیپلماتهای ما بطور جدی دنبال تهیه واکسن نیستند. مهمتر و جنایتکارانه تر از همه، خامنه ای دستور صادر کرد که از انگلیس و امریکا واکسن نباید خرید و خرید واکسن از این دو کشور را منع کرد. در زمانی که تنها واکسن بیون تک و استرازنکا تولید و مورد استفاده قرار می گرفت. این سیاستها با اضافه پخش اخبار دروغ در اوایل شیوع کرونا و عدم قرنطینه به موقع و تأمین هزینه و معیشت مردم، جامعه را با این فاجعه انسانی روبرو کرده است و کشتار جمعی که شاهد آن هستیم. دزدی و فساد هم سر از بازار واکسن درآورد. تجارت نیوز نوشته است، "واکسن کرونا با مهر دانشگاه علوم پزشکی ۵،۵ میلیون و واکسنهای اهدایی سر از بازار آزاد درآورد. استرازنکا ۵،۵ میلیون، فایزر ۲۲ میلیون به فروش می رسد!"

اکنون سفارت بریتانیا در ایران روز پنجشنبه تأیید کرد که ایران ۴،۲ میلیون دوز واکسن تولید شده توسط دانشگاه آکسفورد و شرکت سوئدی استرازنکا را خریداری کرده است و سفیر ایران در لندن نیز تأکید

در باره بیانیه دفتر سیاسی:

تحولات سیاسی جدید و مسئله سرنگونی ...

حزب حکمتیست است.

و بالاخره تکیه بر شورا و مجمع عمومی که دیگر امروز وجود آنها امر واقع و ابزار پیشبرد مبارزه کارگران است، کلید پیشروی جنبش طبقاتی ماست. باید دستاوردهای تاکنونی را که به قیمت فداکاری رهبران کارگری بدست آمده اند پاس داشت و در گسترش و همه گیر شدن مجامع عمومی و برپایی شوراهای کارگری و مردمی در همه جا کوشید.

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده

ای را همه جا برپا کنید!

در کارخانه ها و محلات شوراها را

برپا کنید!

تحولات سیاسی جدید ایران

تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی سوال روز جامعه است

۴- اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای دو قلمروی سرنوشت ساز مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی است. همزمانی اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای، ادامه دینامیزم خیزش آنان در کیفیت جدیدی است. برخلاف سال ۵۷ امروز با یک جامعه خودآگاه روبرویم که جنبشی حرکت میکند و نیاز اتحاد را می شناسد. آنچه امروز در جریان است، آغاز دور جدیدی از حضور فعال جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی است. این روند بدون تردید افت و خیز خواهد داشت و میتواند آشکال مختلفی بخود بپذیرد. جامعه ایران نظر به مشخصات سیاسی و صنفی طبقات و کشمکشهای جاری، آستان یک تحول ریشه ای و زیر و رو کننده، یک انقلاب اجتماعی است. جنبش سرنگونی رژیم اسلامی در سیر خود حول افق و راه حل چپ یا افق و راه حل راست پلاریزه میشود. جدال برسر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشیند از هم اکنون در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. در این جدال هم اپوزیسیون راست پروغری و هم جنبش کمونیستی کارگری شانس عینی پیروزی دارند.

۵- اپوزیسیون راست پروغری، با شکست تاکنونی پروژه های آلترناتیو سازی و "رژیم چینج" و دوره ای سردرگمی، در کنار جمهوریخواهان و ناسیونالیست اسلامی ها، خود را با اوضاع جدید هماهنگ کرده اند. این نیروها، در هر ترکیبی و تحت هر پرچمی، نمایندگان بورژوازی ایران و اعاده نظم قدیم در دوره سرنگونی هستند. نیروی اینها را نباید دست کم گرفت، طرحهای ارتجاعی آنها را باید به شکست کشاند و منزوی کرد.

۶- جنبش کمونیستی کارگری تنها جنبشی است که با آمل و آرزوهای توده های میلیونی کارگران و مردم خواهان برابری و رفع تبعیض خوانائی دارد و به رادیکالیسم اجتماعی، به حضور گسترده طبقه کارگر، به برابری طلبی و آزادیخواهی، به سکولاریسم و ضد اسلامی بودن جامعه متکی است. حزب کمونیست کارگری - کمونیست تلاش میکند که جنبش کنونی برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، حلقه ای در یک انقلاب عظیم اجتماعی برای برقراری یک نظام سوسیالیستی در ایران باشد.

خط مشی تاکتیکی ما در دوره حاضر

۷- در این دوره حزب کمونیست همگام با رهبران کارگری رادیکال و سوسیالیست و پیشروان اعتراضات توده ای، در نقشه ای هماهنگ و هدفمند برای گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای در سراسر ایران همه توان خود را بکار میگیرد. برای متحد و همگام کردن مبارزات کارگری و توده ای با اتکاء به شبکه مبارزاتی به هم مرتبط فعالین جنبش کارگری و جنبش توده ای، همه ظرفیتهای سیاسی و تشکیلاتی خود را بکار میگیرد. اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای در پیکره ای واحد و هماهنگ، میتوانند قدم به قدم تناسب قوا را به نفع خود تغییر دهند و حول پلاتنوم و معنای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و از جمله خواستها و شعارهای "آزادی، برای، رفاه همگانی" و "معیشت، سلامت، واکسیناسیون" بمیدان بیاید.

۸- یک اولویت فوری حزب ما و فعالین کمونیست در این دوره اقدام به برپائی مجامع عمومی منظم و برپائی شوراها در مراکز کار و در محلات است. مراکز کار به عنوان مکان شکلگیری

۱- جامعه ایران در منگنه بحرانهای فزاینده و لاینحل در اعتراض و اعتصاب است. از کوبیدن رژیم در انتخابات تا امواج اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای، صرفاً نوک کوه یخ پتانسیل قدرتمند اعتراضی در جامعه علیه وضع موجود است. بحران رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود. امروز این حرف قدیمی ما که رفع این بحران نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی ممکن نیست بلکه با تعمیق ناگزیر آن زمینه ساز سرنگونی خویش را فراهم می آورد، به آگاهی عمومی بدل شده است. سرنگونی خواهی به بستر اصلی سیاست ایران تبدیل شده و مسئله قدرت سیاسی را بعنوان کلیدی ترین سوال روز بجلو رانده است. حزب کمونیست کارگری - کمونیست برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، کسب قدرت سیاسی و برقراری یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه می کند.

۲- یک مشخصه مهم وضعیت کنونی تشدید کشمکش طبقاتی و قطبی شدن سیاست است. در بالا، نیاز بورژوازی حاکم به فشرده شدن و تغییر آرایش سیاسی جهت مواجهه با نخواستن جامعه و مبارزات رو به رشد کارگری است. لذا رئیسی برای اجرای یک پلاتنوم اقتصادی متمایز نیامده است، دوره این حرفها گذشته است، رئیسی چکیده ورشکستگی خامنه ای و ناتوانی نظام اسلامی در مقابل یک جامعه خشمگین و آماده نبرد است. اما سیاست سرکوب و ارعاب، توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد. رئیسی قبل از اینکه بیان قدرت جمهوری اسلامی باشد، نشان ضعف و بن بست لاعلاج رژیم اسلامی است.

۳- سیاست دولتهای آمریکا و اروپا در قبال رژیم اسلامی، تامین کننده منافع آتی و آتی این دولتهاست. حمایت از اسلام سیاسی در ایران، تلاش برای مذاکره و توافق با جمهوری اسلامی، حضور نمایندگان اتحادیه اروپا در مراسم تحلیف رئیسی جلا، بدلیل "عدم اطلاع" از کارکرد جنایتکارانه رژیم و شخص رئیسی از جانب دول غربی نیست. منافع و ترجیح سیاست خارجی آنها در منطقه ایجاب میکند که اولاً، جمهوری اسلامی را حتی الامکان رام کنند و سرپا نگهدارند. ثانیاً از پتانسیل قوی کمونیسم و برابری طلبی در جامعه ایران وحشت دارند. علیرغم اختلافات درون طبقاتی با جمهوری اسلامی، منفعت استراتژیک و طبقاتی دولتهای غربی، آنها را کنار تداوم سلطه حکومت اسلامی سرمایه در مقابل جامعه ای میگذارد که یک حاکمیت اسلامی و استثمارگر را بیش از این تحمل نمیکند و علیه آن بپاخاسته است. هر زمان پایان حکومت اسلامی مُسجل شود، همین دولتها و سیاستمداران ریاکار پشت بورژوازی در حاشیه حکومت و اپوزیسیون میروند. اپوزیسیون بورژوائی ایران منتظر این لحظه موعود است.

اعتصابات کارگری - اعتراضات توده ای

دو رکن نبرد سرنوشت ساز

بیانہ دفتر سیاسی حزب حکمتیست

تحولات سیاسی جدید ایران

تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی سوال روز جامعه است ...

اعتصابات و محلات شهرها به مثابه مکان شکل گرفتن اعتراضات شهری، بسترهای بسیار مساعدی برای ایجاد و گسترش جنبش مجامع عمومی و شورایی هستند. حزب حکمتیست فعالین کارگری و کمونیست را در مراکز کار و محلات به ایجاد و گسترش مجامع عمومی و سازمانیابی شورایی فرامیخواند.

۹- شوراها امروز ابزار تشکل و اتحاد و بسیج کارگران و توده مردم و از ارگانهای قیام در جدال برای سرنگونی هستند. تلاش ما اینست که دولت برآمده از قیام دولتی انقلابی باشد که نیروی طبقه کارگر را برای تداوم انقلاب و حرکت بیوقفه برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی و پیشروی بسوی ایجاد سازمان سوسیالیستی نوین جامعه رهنمون شود.

۱۰- حزب کمونیست کارگری حکمتیست کارگران کمونیست و رهبران عملی کارگران را به ایجاد سنگرهای کمونیستی، به متحزب شدن در مبارزه جاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد، خوشبخت و مرفه سوسیالیستی فرامیخواند. حزب حکمتیست ظرف اعتراض رادیکال کارگری و مبارزه انقلابی است. کارگران، کمونیست ها، زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، جوانان انقلابی! این حزب شماسست، به حزب تان بپیوندید!

مصوب دفتر سیاسی باتفاق آرا

۲۳ مرداد ۱۴۰۰ - ۱۴ اوت ۲۰۲۱

جهان بدون

فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم،

بدون «خطر» سوسیالیسم،

به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت



بحث رابطه ویژه سرمایه با کار، قهرهای منوعه اقتصاد دانان بورژوا از جمله بورژوا پیکتی است. در کتابش مشکل آنها معرفی نیست که گویا از منشاء سود و ثروت بورژوازی بی اغلاخند. "علم" اقتصاد بورژوازی که کارش کشان منشاء سود و ثروت بورژوازی از طبقه کارگر است به آنها میآموزد که چگونه اقتصاد سیاسی را از تبه سرمایه دار بعنوان مجموعه ای از پول و کار و ابزار تولید، آنچه که سرمایه دار بورژوا با آن سرو کار دارد، تحلیل کنند تا منشاء سود و ثروت بورژوازی را که چیزی جز استثمار طبقه کارگر نیست از این طبقه کشان کنند...

حسین مرادی (حسین)

تاریخ: ۲۰۲۱-۰۸-۱۴

تاریخ: ۲۰۲۱-۰۸-۱۴

نقد کتاب توماس پیکتی

سرمایه

در قرن بیست و یکم

حسین مرادی

منتشر شد!

(تهیه کتاب در سوئد)

نقد کتاب توماس پیکتی

سرمایه در قرن بیست و یکم

نویسنده: حسین مرادی بیگی (حمه سور)

برای تهیه این کتاب به شماره تلفنهای زیر ارتباط بگیرید

مهدی طاهری ۰۷۲۳۰۲۹۰۸۲

محمود محمد زاده ۰۷۳۶۲۲۸۷۲۶

کریم نوری ۰۷۰۴۴۴۱۵۵۵

قیمت کتاب ۱۰۰۰۰۰ کرون سوئد، با هزینه پست ۱۴۰۰ کرون

هزینه به این شماره تلفنها میتواند سوبیش کنید و بابه شماره حساب زیر واریز کنید

PG: 650 115 - 9 IKF





ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

اعتصاب مجدد کارگران پروژه‌های شاغل در شرکت ODCC پالایشگاه اصفهان

روز سه‌شنبه نهم شهریورماه کارگران پروژه‌های شاغل در شرکت ODCC پالایشگاه اصفهان در اعتراض به عدم افزایش دستمزدها مجدداً دست به اعتصاب زدند. این کارگران که همزمان با شروع اعتصاب سراسری کارگران پروژه‌های نفت اعتصاب کرده بودند با وعده‌ی پیمانکار و کارفرما مبنی بر افزایش دستمزد و حقوق به سر کار بازگشته بودند اما این وعده از سوی کارفرما انجام نشد و این کارگران دوباره دست به اعتصاب زدند.

تجمع کارگران پروژه‌های و صنعتگران ایذه مقابل فرمانداری این شهرستان

روز سه‌شنبه نهم شهریور جمعی از صنعتگران و کارگران پروژه‌های شهرستان ایذه همزمان با هفتاد و سومین روز اعتصاب کارگران پروژه‌های نفت مقابل فرمانداری شهرستان ایذه تجمع برگزار کردند. این تجمع که طبق فراخوان مجمع عمومی هفته پیش صورت گرفت در راستای پیگیری خواست و مطالبات کارگران اعتصابی پروژه‌های نفتی انجام شد.

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی غیرنیشکری و دفع آفات شرکت هفت‌تپه

روز چهارشنبه دهم شهریور جمعی از کارگران اخراجی غیرنیشکری و بخش دفع آفات شرکت هفت‌تپه در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان در محوطه شرکت دست به تجمع زدند. کارگران اخراجی غیرنیشکری و کارگران بخش دفع آفات خواستار بازگشت به کار و تبدیل وضعیت و همچنین تمدید قراردادهایشان هستند.

عدم پرداخت دستمزد کارگران پایانه‌های نفتی خارک

کارگران پایانه‌های نفتی جزیره خارک دستمزد مردادماه خود را دریافت نکرده‌اند. به گفته آنها، تاخیر در پرداخت مزد موضوعی جدید نیست و در دو ماه گذشته یعنی تیر و خرداد نیز اتفاق افتاده است. این کارگران افزودند: هیچکدام از بخش‌ها دستمزد خود را دریافت نکرده‌اند و تنها مزد بخش حراست در روز ۴ شهریور به حساب آنها واریز شد.

تجمع جمعی از کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری

روز شنبه ۶ شهریور جمعی از کارگران ارکان ثالث شرکت ملی حفاری، در مقابل ساختمان این شرکت تجمع کردند. کارگران معترض از جمله مطالبات خود را: اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، همسان

سازی حقوق و حذف پیمانکار نیروی انسانی عنوان کردند.

کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن آذربایجان ۳ ماه حقوق دریافت نکردند
جمعی از کارگران خطوط ابنیه فنی راه آهن آذربایجان گفتند: کارگران این مجموعه از تیرماه حقوق نگرفته‌اند. ما درحالی از دو ماه قبل حقوق نگرفته‌ایم که با پذیرش پیشنهاد کارفرما مبنی بر پرداخت حقوق در پانزدهم هر ماه با دو ماه تاخیر کنار آمده بودیم. بنابراین کارفرما می‌بایست پانزدهم هر ماه، حقوق کامل دو ماه پیش کارگران را پرداخت کند. یعنی درحال حاضر حقوق تیرماه کارگران پرداخت نشده و ما در آستانه سومین ماه قرار داریم. افزایش مزد و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل از خواسته‌های قدیمی کارگران نگهداری از خطوط راه آهن آذربایجان است.

تداوم تجمع کارگران شهرداری امیدیه مقابل فرمانداری

تا روز چهارشنبه هشتم شهریور کارگران شهرداری امیدیه برای پنجمین روز اعتراض خود مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. این کارگران خواستار پرداخت حقوق و مطالبات معوقه خود هستند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری میان‌دوآب

روز سه‌شنبه نهم شهریور جمعی از کارگران شهرداری میان‌دوآب برای چندمین روز متوالی در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و حق بیمه و همچنین عدم تبدیل وضعیت شغلی مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند. اما هنوز هیچ پاسخی نگرفته‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری خرمشهر

روز چهارشنبه دهم شهریور کارگران شهرداری خرمشهر در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه مقابل فرمانداری این شهر دست به تجمع زدند. کارگران شهرداری خرمشهر ۶ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری بستان

روز یکشنبه ۷ شهریور کارگران شهرداری بستان در اعتراض به عدم پرداخت معوقات مزدی دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران بیش از یکسال است که حقوق و بیمه خود را دریافت نکرده‌اند.

تجمع اعتراضی پرسنل و کارکنان طرح تحول سلامت خوزستان

روز دوشنبه هشتم شهریور پرسنل طرح تحول سلامت خوزستان در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت شغلی پس از ۷ سال کار، عدم پرداخت حق کرونا و فوق‌العاده ویژه و دیگر مزایا مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

کمک خواسته‌اند تا بتوانند دوباره به سر کار خود بازگردند.

ستون اخبار کارگری و حرکتهای

اعتراضی ...

تجمع پرسنل مرکز بهداشت شهرستان شیراز

روز سه‌شنبه نهم شهریور پرسنل مرکز بهداشت شهرستان شیراز در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات خود و تاکید بر رفع تبعیض در محوطه این مرکز تجمع کردند.

تجمع اعتراضی فرهنگیان در مقابل دیوان عدالت اداری کشور

روز شنبه ۶ شهریورماه جمعی از معلمان و فرهنگیان در اعتراض به کسر فوق العاده شغل و عدم اجرای رتبه بندی در مقابل ساختمان دیوان عدالت اداری در تهران تجمع برگزار کردند. در پی واریز حقوق مردادماه معلمان، مبلغ ۲۰۰ هزار تومان از آنها کسر شده است و فرهنگیان با سر دادن شعارهایی چون: "معلم داد بزن، حقت را فریاد بزن"، خواستار پاسخگویی مسئولان به مشکلات و مطالباتشان شدند.

آتش‌سوزی گسترده در نیروگاه سیکل ترکیبی نیشابور

در پی وقوع آتش‌سوزی گسترده و چندین ساعته در نیروگاه سیکل ترکیبی نیشابور، برق مناطق گسترده‌ای از شهر نیشابور، شهرک صنعتی عطار و دستکم سی روستای این شهرستان قطع شد.

مصدومیت یک کارگر در تبریز

ظهر روز جمعه ۵ شهریور ۱۴۰۰ یک کارگر در تبریز به عمق چاهک آسانسور طبقه پنجم یک ساختمان نیمه کاره در خیابان ولیعصر جنوبی سقوط کرد. به دنبال این رویداد، گروه امدادی آتش نشانی تبریز به محل حادثه اعزام شدند. کارگر مذکور در این رویداد دچار آسیب دیدگی اعضای بدن شده و جهت پیشگیری از وقوع صدمات ثانویه به سطح زمین منتقل شد.

یک کارگر در کاشان حین انجام کار دچار حادثه شد

سختگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کاشان در این رابطه گفت: این حادثه ساعت ۲ و ۴۴ دقیقه بامداد روز جمعه به ستاد فرماندهی آتش‌نشانی کاشان گزارش شد. در این حادثه یک کارگر ۳۴ ساله اهل کاشان در یک شرکت نساجی، زیر دستگاه پرس گرفتار شده بود. آتش‌نشانان جهت امدادسانی و رهاسازی وی به محل اعزام شدند و کارگر مصدوم پس از رهایی، تحویل تیم‌های اورژانس مستقر در محل داده شد.

مهمانداران شرکت هوایی آریانا افغان

تعدادی از مهمانداران شرکت هوایی آریانا افغان با انتشار ویدئویی از تصمیم دفتر مرکزی این شرکت مبنی بر برکناری کلیه مهمانداران زن این شرکت خبر دادند که به خاطر به قدرت رسیدن طالبان از سوی مدیران این شرکت اتخاذ شده است. زنان مهماندار در این پیام ویدئویی اعتراضی می‌گویند که طالبان هیچ تغییری نکرده است و همچنان به دنبال حذف زنان هستند. این زنان با انتشار این ویدئو از جامعه جهانی

جان باختن یک جوان زندانی پس از اجرای حکم شلاق

هادی عطازاده پس از اجرای حکم شنیع و قرون وسطایی شلاق در زندان اهر جان باخت. وی پس از اجرای حکم و انتقال به قرنطینه زندان با بروز درد شکم به بهداری منتقل شده اما در نهایت متأسفانه جان خود را از دست داد.

اظهارات نصرت بهشتی از زندان مشهد

نصرت بهشتی معلم بازنشسته که در تاریخ ۱۳/۵/۱۴۰۰ به خاطر حضور در تجمع اعتراضی مشهد بوسیله نیروهای وزارت اطلاعات دستگیر شد و هم اکنون در زندان مشهد به سر می‌برد، در یک گفتگوی تلفنی گفت: تاکنون عضو هیچ حزب سیاسی نبوده، و به رئیس جمهور هیچ کشوری نامه ننوشته است. نصرت بهشتی در ادامه گفتگوی تلفنی ابراز داشت: راه حل همه مشکلات مردم ایران را باید در درون کشور و در میان همین مردم جستجو کرد. وی هیچ باوری به کشورهای بیگانه برای رهایی مردم ایران از بن بست کنونی ندارد.

بازداشت امیرعباس آزمون توسط مأموران وزارت اطلاعات

روز چهارشنبه دهم شهریور ساعت ۸ صبح مأموران وزارت اطلاعات با مراجعه به منزل امیرعباس آزمون وی را بازداشت کرده و به مکان نامعلومی منتقل کردند. مأمورین ضمن اعلام اتهام تبلیغ علیه نظام، وسایل شخصی و کتاب‌های او را با خود بردند. امیرعباس آزمون روزنامه‌نگار اقتصادی و از فعالین کارگری است و هیچ عملی غیر از دفاع از حقوق کارگران انجام نداده است.

تفتیش منزل آرش کیخسروی در تهران / تداوم بازداشت وکلا و فعالین

مدنی بازداشتی

منزل پدیری آرش کیخسروی، وکیل دادگستری روز چهارشنبه ۳ شهریورماه مورد تفتیش نیروهای امنیتی قرار گرفت. در جریان این بازرسی نیروهای امنیتی برای دقایقی اتاق وی را قفل کرده و به اعضای خانواده اجازه ورود نداده‌اند. از سوی دیگر، مصطفی نیلی یکی دیگر از وکلای بازداشتی، از زمان دستگیری تاکنون تنها یک بار و به مدت ۱۰ ثانیه اجازه تماس با خانواده‌اش را داشته است. در تاریخ ۲۳ مردادماه، ۹ تن از وکلا و فعالان مدنی از جمله آرش کیخسروی، مصطفی نیلی، مهدی محمودیان، مجربضا فقیهی، مجدهادی عرفانیان کاسب، مریم افراز و لیلیا حیدری در جریان برگزاری جلسه‌ای در دفتر انجمن حمایت از حقوق شهروندی در تهران بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

بازنشستگان خواهان آزادی اسماعیل گرامی شدند

بیست و دو گروه مستقل بازنشستگان ضمن محکوم کردن حکم ۶ سال زندان برای اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته زندانی، با صدور بیانیه فوق خواستار آزادی آقای گرامی شدند. تشکل‌های مستقل بازنشستگان ضمن محکوم کردن بازداشت اسماعیل گرامی خواهان آزادی بی قید و شرط وی شدند.

دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفتی با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گردا، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسایل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

به حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

کمک مالی کنید!

از فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!

دشمنان کارگران هفت تپه، نهادهای حکومتی و امنیتی، برای فرزانة زیلابی وکیل شر اتمند کارگران هفت تپه پرونده سازی کرده اند. فرزانة زیلابی تنها بعنوان یک وکیل از کارگران هفت تپه مسمیانه حمایت کرده است. اما به همین دلیل به وی انواع اتهامات واهی منتسب کردند. پرونده خانم زیلابی علامت "مجرمانه" خورده و حتی خود وی از چند و چون اتهامات اطلاع ندارد.

این اقدام انتقام از کارگران هفت تپه و سرکوب وکلای شر اتمندی است که از مردم کارگر و زحمتکش دفاع می کنند. از فرزانة زیلابی وکیل کارگران هفت تپه دفاع کنیم!!



جنبش مجمع عمومی کارگری را گسترش دهیم!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سر دبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سر دبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هنر کمونیست

زنده باد سوسیالیسم!